

## زبان دیپلماتیک امریکا؛ تحت نام صلح بر ادامه جنگ در افغانستان دلالت می‌کند

خبر:

همزمان با آغاز دور هشتم مذاکرات میان هیئت‌های امریکا و گروه طالبان، زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا برای صلح افغانستان در توئیترش نوشت: "طالبان نشانه‌هایی از تمایل برای توافق نشان داده‌اند. ما هم آماده دست یافتن به یک توافق خوب هستیم." وی همچنان در توئیت دیگرش بیان داشت: "ما به دنبال توافق صلح هستیم نه توافق خروج؛ یک توافق صلحی که زمینه خروج را فراهم سازد. حضور ما در افغانستان وابسته به شرایط است، و خروج ما از افغانستان نیز مشروط خواهد بود."

تبصره:

هرچند عدم استفاده از خاک افغانستان توسط «گروه‌های تروریستی» و خروج تدریجی نیروهای امریکایی از افغانستان بخش مهمی از شروط توافق صلح میان نمایندگان دو طرف است. اما جدا نمودن توافق صلح با توافق خروج نیروهای نظامی امریکایی از افغانستان از عمق مکر، فریب و دیپلوماسی جانب امریکایی پرده برمی‌دارد و به دام‌های دلالت می‌کند که جانب امریکایی برای طالبان در مسیر راه چیده است. افزون بر این جداسازی مذاکرات با امریکا از مذاکرات بین‌افغانی، چالش دیگریست که در مسیر راه قرار دارد؛ زیرا بعد از توافق طالبان با امریکا جنجالی‌ترین مرحله آن، توافق میان جناح‌های مختلف افغان می‌باشد.

همین حالا از روان مذاکرات بین‌افغانی چنین برمی‌آید که طالبان را باید وادار به پذیرش دست‌آوردهای 18 ساله غربی در افغانستان، مانند؛ آزادی‌های دموکراتیک، قانون اساسی سیکولر، حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی رسانه‌ها و... نمایند. ارزش‌هایی که تا این حال مورد قبول طالبان قرار نگرفته است. در صورتی که دو طرف بر موقف شان استوار باقی بمانند و توافقنامه‌ی صلح با امریکا نیز دست طالبان را از ادامه‌ی جنگ قطع کرده باشد و بن‌بست در پروسه طوری به مردم وانمود خواهد کرد که کارشکنی از جانب امریکایی‌ها نه، بلکه از جناح‌های مختلف افغانی رونما گردیده است. لذا برخی از طالبان مجبور خواهند شد تا برای موفقیت پروسه صلح از اهداف خود تنازل نمایند، دقیقاً مانند حزب اسلامی حکمتیار، هضم واقعیت سیاسی افغانستان خواهند شد. برخی دیگر اما من‌حیث مخالفین این پروسه با نام‌های دیگر جنگ را در افغانستان ادامه خواهند داد.

در کنار این شرایط، پس از امضای توافقنامه با امریکا، نارضایتی‌ها را در میان طالبان به صورت طبیعی رقم زده و هویت واحد طالبان را در درازمدت دچار چنددستگی نموده و طرف مقابل امریکا در توافقنامه را متفرق نشان خواهد داد، که در نهایت خود این تفرقه زمینه ساز عدم پای‌بندی امریکا به توافقنامه خواهد شد. با توجه به این، ظرفیت‌های بروز چنین اختلافات از همین اکنون در صفوف طالبان هویدا است. طوری که در اثر شدت بمباردمان مردم ملکی از جانب نیروهای امریکایی و افغان، همین اکنون فاصله را میان مردم و طالبان ایجاد نموده و این سبب شده است که نظامیان طالب دیگر در میان مردم مانند گذشته ملجاء و مأوی نخواهند داشت.

همچنان بر سر چگونگی پیشبرد گفتگوی صلح با امریکا روایت‌ها حاکی از اختلافات میان طالبان نظامی با هیئت سیاسی شان در قطر بوده است. به همین منوال بعضی از رهبران درجه دوم طالبان، در ولایت‌های جنوبی نیز مشاهده شده‌اند که

عملاً جنگجویان طالب را برای نادیده گرفتن گفتگوی‌های صلح در قطر و ادامه‌ی جنگ دعوت نموده است. در هر دو طرف خط دیورند نیز روایت‌های از تأسیس تشکیلات جدید جنگجویان طالب برای ادامه‌ی جنگ با امریکا و نظام کابل وجود دارد.

هرچند طالبان سرگرم شعار خروج امریکا از افغانستان و به قدرت رسیدن این گروه شده است، اما نیت بد امریکا درین پروسه حتی مورد توجه آن‌عده از رهبران سیاسی نیز قرار گرفته که خودشان توسط نیروهای امریکایی وارد افغانستان شده‌اند. حامد کرزی رئیس جمهوری پیشین افغانستان، کسی است که انتقاداتی بالای پروسه صلح دارد، و می‌گوید که این روند تا حالا به هیچ عنوان افغانی (در کنترل افغان‌ها) نبوده و سعی بر آن است تا این روند در اختیار امریکا و پاکستان باقی بماند. وی می‌افزاید: "نقش هند و ایران و دیگر کشورهای همسایه در روند صلح مهم است، و این کشورها باید صلح افغانستان را ضمانت کنند. اگر امریکاییان خارج شوند، در افغانستان باید صلح تامین شود. خروج امریکا باید مسئولانه باشد، نه این‌که با رفتن آنان فتنه‌بزرگ دیگری از سوی پاکستان به راه بیفتد." مطرح نمودن این موارد خود دلالت بر این دارد که بعد ازین توافقنامه، جنگی دیگری در راه است که مسوولیت آن در آینده نباید متوجه امریکا باشد، بلکه مسوولیت آن به دوش کشورهای منطقه خواهد بود.

در نتیجه‌ی خوش‌باوری و اعتماد طالبان بر امریکا در گفتگوهای صلح اشتباه تاریخی‌ست که جبران آن برای گروه طالبان ناممکن می‌باشد. زیرا عهد شکنی‌های امریکا با دولت‌ها در درازای تاریخ نشان می‌دهد که امریکا از تعهدات خود با طالبان نیز روزی روگردان خواهد شد، طوری‌که خروج امریکا از توافقنامه‌ی برنامه اتومی با ایران و توافقنامه‌ی راکت‌هایی بالستیک میان‌برد با روسیه مثال‌های معاصری هستند که نتوانستند توسط کشورهای بزرگ جهان و حتی روسیه از خروج امریکا از آن جلوگیری کند. لذا هر وقت که امریکا خواسته توافق نموده و هر وقت منافعش ایجاب نکرده به نقض آن اقدام نموده است.

پس نباید سرنوشت طالبان تنها کمپاین انتخاباتی ترامپ گردد. یگانه راه حل برای این معضل اینست که طالبان باید گفتگوی صلح را فوراً با امریکا متوقف نمایند، و با چنگ‌زدن بر ارشادات اسلام، صفوف جهاد را علیه اشغالگران مستحکم‌تر ساخته و تا آخرین رمق با اشغال‌گران استعمارگر مبارزه خود را ادامه دهند. چون تنها صبر و ادامه مسیر در چنین شرایط موفقیت را تضمین می‌کند و بس؛ همان‌طور که شکست شوروی در افغانستان پایان استبداد کمونیسم در جهان بود، شکست امریکا نیز پایان هژمونی نظم دموکراسی در جهان خواهد شد.

سیف الله مستنیر

ریس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان